

## انقلاب اسلامی و پیشرفت در حوزه سیاست

مصطفی ملکوتیان<sup>۱</sup>

انقلاب اسلامی با برداشتی نو از انسان، جامعه و تاریخ، در مقابل برداشت‌های مادی‌گرا و این جهانی، با طرحی جدید در همه زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی-فناوری و در واقع با اهداف و دورنمایی از تمدن نوی اسلامی پا به عرصه وجود گذاشت. این برداشت، طرح، هدف و دورنما در زمانی ظاهر شد که جهانیان، به دلیل سوءعملکرد غربیان در همه این زمینه‌ها - که تنها متضمن منافع مادی و سیاسی صاحبان قدرت در غرب بود- برای پذیرش دنیایی جدید با ایده‌های حقیقی آمادگی داشتند.

در حوزه سیاست، انقلاب اسلامی با توجه به اصول تفکر اسلامی به ایجاد نظام دینی مردم‌سالار انجامید که هم به فطرت خداجوی بشر و توجه به دستورات الهی، متعهد است و هم به نقش مردم در سیاست ارج می‌گذارد؛ به گونه‌ای که بر مبنای اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمامی مقامات بالا از رهبری معظم نظام اسلامی گرفته تا رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و شوراهای شهر و روستا را مردم برمی‌گزینند. در حالی که در جهان غرب بر دموکراسی لیبرال به عنوان آخرین مرحله پیشرفت سیاسی تأکید می‌شود که باید در همه جای دنیا پدید آید؛ یعنی حکومت‌هایی که بر مبنای برداشتی تک‌بعدی از انسان، تعقیب منافع ملی یا منافع کشوری خاص، بدون توجه به منافع عادلانه بین‌المللی و در نتیجه مشکل‌تراشی در مقابل پیشرفت دیگران و دست زدن به تجاوز و کشتار ملل محروم برای غارت منابع آنها ایجاد شده‌اند. در نظام مردم‌سالار دینی با توجه به جنبه‌های معنوی انسان و برداشت دو بعدی از وی به منافع همگان و استقرار نظم عادلانه بین‌المللی توجه می‌شود.

در واقع، در تطبیق حکومت‌ها و سیاست مقایسه‌ای، عالی‌ترین پیشرفت سیاسی را می‌توان در تشکیل نظام مردم‌سالار دینی مبتنی بر ولایت فقیه یافت؛ زیرا علاوه بر برتری‌های ویژه، در چنین نظامی، نقاط مثبت نظام‌های مختلف نیز وجود دارد. این امر به دلیل ماهیت خود دین مبین اسلام است که دینی جامع و همه‌جانبه‌نگر است و در نتیجه، نظام برآمده از آن نیز نظامی جامع و منطبق با فطرت بشر است. به طور کلی، از نظر انقلاب اسلامی، پیشرفت سیاسی زمانی صورت می‌گیرد که با تشکیل نظام مردم‌سالار دینی، نه تنها در داخل جوامع تغییرات اساسی صورت گیرد بلکه نظم عادلانه بین‌المللی نیز پدید آید.

<sup>۱</sup> دانشیار دانشگاه تهران